گزارش یک
محمد اسماعیلی

راز گشودن جبهه‌های مختلف علیه جمهوری اسلامی چیست؟

سردرگمی ایالات متحده از اقتدار دامنه‌دار ایران اسلامی

براساس شواهد غیرقابل انکار و اسناد متقن مهم‌ترین هدف امریکا در منطقه غرب آسیا «تضعیف جمهوری اسلامی ایران» است و به همین دلیل تمام طراحی‌های ایالات متحده حول چنین محوری در حال گردش است؛ از راه‌اندازی جنگ عراق علیه ایران گرفته تا اعمال بی‌سابقه‌ترین محدودیت‌های اقتصادی - سیاسی و راه‌اندازی گروه تروریستی - تکفیری داعش و اکنون چندپاره کردن کشورهای منطقه از جمله سوریه و عراق در جهت چنین هدفی قابل تفسیر است.

برگزاری همه‌پرسی در کردستان عراق و تلاش برای جداسازی این قسمت از خاک عراق اگر چه در نگاه نخست هجوم به منافع ملی عراق و کشورهایی نظیر سوریه و ترکیه است اما همانگونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور ترکیه گفتند، تشکیل کشور کردستان عراق، ایجاد اسرائیل جدید در منطقه است: «امریکا و قدرت‌های خارجی، غیرقابل اعتماد و به‌دنبال ایجاد یک «اسرائیل جدید» در منطقه هستند.»

اگر چه جداسازی کردستان از عراق پیامدهای ناگواری را برای کشورهای منطقه دارد اما این اتفاق پس از آن صورت می‌گیرد که جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت توانسته‌اند بسیاری از اهداف نظام سلطه و مرتجعین منطقه را جهت روی کارآمدن دولت‌های دست‌نشانده در کشورهای سوریه، عراق، یمن، لبنان و مهم‌تر از آن چندپاره کردن این کشورها خنثی کنند و پس از شش سال داعش را تا مرز نابودی پیش ببرند. امریکایی‌ها معتقدند عامل اصلی که مانع از تحقق اهداف آنها حداقل طی شش سال اخیر شده، جمهوری اسلامی ایران است که نه تنها حاکمیت سیاسی سوریه با محوریت بشار اسد را حفظ کرد بلکه توانست با مجموعه تدابیر منسجم اجازه سقوط دولت مرکزی عراق را ندهد و به تقویت گروه‌ها و جنبش‌های مردمی در کشورهای یمن، بحرین و لبنان نیز کمک شایانی کند، به همین دلیل است که نظام سلطه تلاش می‌کند منسجم و فراگیرتر از گذشته به‌دنبال تضعیف نظامی، گفتمانی و سیاسی ایران در منطقه غرب آسیا باشد. آنچه مسلم می‌باشد این مسئله است که خروجی ملموس تحولات چند سال اخیر در منطقه غرب آسیا، تقویت قدرت گفتمانی جمهوری اسلامی ایران را در پی داشته است تا جایی که بسیاری از استراتژیست‌های امریکایی در هفته‌های اخیر ضمن اعتراف به قدرت جمهوری اسلامی ایران، برنده واقعی رخدادهای منطقه‌ای را کشورمان عنوان کرده‌اند.

■ عصبانیت استراتژیست‌های غربی از اقتدار روزافزون ایران

هنری کیسینجر وزیر امور خارجه سابق امریکا اخیراً در یادداشتی در پایگاه تحلیلی کپ ایکس به بررسی نظم جهانی در دنیای در حال تغییر کنونی پرداخته و نسبت به قدرتمندتر شدن جمهوری اسلامی ایران پس از فروپاشی داعش هشدار می‌دهد و مقابله با جمهوری اسلامی ایران را یک اولویت مهم می‌داند. وی عصبانیت خود از اقتدار روزافزون جمهوری اسلامی ایران را با واژه امپراتوری ایران یاد می‌کند تا ضمن متهم کردن کشورمان به قبیله‌گری مذهبی در منطقه، احساسات ناسیونالیستی کشورهای منطقه را علیه ایران تحریک کند.

کیسینجر بیان می‌کند: «در سال‌های اخیر در بخش‌های گسترده‌ای از عراق و سوریه یک نیروی رادیکال به نام داعش ظهور کرده که تأکید دارد مخالف تمدن امروزی است و به روشی خشونت‌آمیز تلاش می‌کند کثرت دولت‌ها در نظام بین‌الملل فعلی را با یک امپراتوری طبق قوانین خود جایگزین کند. در چنین شرایطی اصطلاح «دشمن دشمن ما، دوست ماست» دیگر مصداق ندارد چراکه در وضعیت فعلی خاورمیانه، دشمن دشمن تو می‌تواند دشمن تو نیز باشد. جنگ دنیای بیرون با داعش می‌تواند یک مثال باشد. اغلب قدرت‌ها، شامل ایران و کشورهای سنی پیشرو موافقند که لازم است داعش نابود شود اما کدام یک قرار است پس از داعش کنترل این مناطق را به دست بگیرد؟ ائتلاف سنی‌ها؟ یا یک قلمرو تحت نفوذ و تسلط ایران؟

کیسینجر در ادامه مدعی می‌شود چنانچه قلمرو داعش به دست نیروهای سپاه پاسداران ایران یا گروه‌های شیعی تحت حمایت و آموزش‌دیده ایران بیفتد، نتیجه می‌تواند ایجاد یک کمربند منطقه‌ای از تهران تا بیروت باشد که در نهایت به ظهور امپراتوری ایران بینجامد. ناراحتی توأم با عصبانیت و پرخاشگری را می‌توان از گفته‌های اخیر کیسینجر به‌راحتی دریافت؛ ویژگی‌ای که در سخنان نوام چامسکی سیاستمدار برجسته امریکایی نیز متبلور است، وی در گفت‌وگویی که چند روز پیش با وبگاه «تام دیسپچ» داشت درباره دلایل خصومت امریکا و رژیم اسرائیل با ایران بیان می‌کند: «امریکا و اسرائیل نمی‌توانند یک نیروی مستقل را در منطقه تحمل کنند. ایران مجهز به توان بازدارنده هسته‌ای نیز برای کشورهای سرکش که می‌خواهند در سراسر خاورمیانه طغیان کنند، غیرقابل پذیرش است.»

چامسکی در توضیح خود ادامه داد: «اما مورد دیگر درباره ایران این است که این کشور به‌خاطر سرنگون ساختن دیکتاتوری‌ای که واشنگتن در پی کودتای نظامی سال ۱۹۵۳ در این کشور بر سر قدرت آورد، قابل بخشش نیست. این کودتا نظام پارلمانی ایران و اعتقاد غیرقابل پذیرش از سوی امریکا مبنی بر حق خود در به‌کارگیری منابع طبیعی را نابود ساخت.»

■ عصبانیتی که گستره آن مختص کشورهای غربی نیست

عصبانیت ویژگی اختصاصی این روزهای سیاستمداران ایالات متحده در مقابل اقتدار روزافزون جمهوری اسلامی ایران نیست و به بخش قابل توجهی از سیاستمداران منطقه‌ای نیز تسری یافته تا جایی که بسیاری از مقامات رسمی کشورهای غرب آسیا به جای اعلام موضع مستدل و منطقی علیه ایران به پرخاشگری و گستاخی علیه ایران روی می‌آورند.

سرخوردگی غرب و همپیمانان امریکا در منطقه از قدرت جمهوری اسلامی ایران تا جایی مشهود است که روزنامه دیلی صباح در گزارشی تحلیلی با اشاره به افزایش قدرت ایران در منطقه در سال‌های اخیر می‌نویسد: سفر غیرمنتظره وزیر امور خارجه عربستان به وین (در زمان مذاکرات ایران و ۱+۵) نشان‌دهنده میزان سرخوردگی آنهاست. این روزنامه در ادامه گزارش خود تأکید می‌کند: تحولات اخیر در منطقه خاورمیانه شامل سقوط طالبان در افغانستان، سرنگونی صدام حسین دیکتاتور پیشین عراق و گسترش ناآرامی‌ها در جهان عرب از دسامبر سال ۲۰۱۰ تاکنون موجب بروز تغییراتی شده که افزایش قدرت ایران در خاورمیانه را در پی داشته است.

این روزنامه ترکیه‌ای همچنین می‌افزاید: اگر این مذاکرات به توافق جامع مورد نظر دست پیدا کند، نفوذ ایران در آینده نزدیک افزایش خواهد داشت اما واضح است که عربستان و بسیاری دیگر از این افزایش نفوذ ایران که ممکن است با همکاری با امریکا برای مقابله با داعش همراه شود، ناخرسند خواهند بود. این حقیقت که سعودالفیصل، وزیر خارجه عربستان در سفری غیرمترقبه به پایتخت اتریش رفته است، نشان‌دهنده سرخوردگی آنهاست.»

■ خاورمیانه جدید

دهها مؤسسه تحقیقاتی معتبر و رسانه‌های مشهور دنیا نیز همانند دیلی صباح به قدرت روزافزون جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌کنند که از جمله آن واشنگتن‌پست است که ضمن اشاره به شکل‌گیری خاورمیانه جدید توسط ایران می‌نویسد: «رویکرد رئیس‌جمهور امریکا در خاورمیانه فقط به قدرتمندتر شدن ایران و افزایش نگرانی و تنش در خاورمیانه کمک کرده است.»

این روزنامه با اشاره به دوران ریاست جمهوری باراک اوباما می‌نویسد: در ماه سپتامبر باراک اوباما رئیس‌جمهور امریکا گفت که آرزو دارد ایران به یک قدرت منطقه‌ای موفق تبدیل شود. اکنون آرزوی وی - که برای کشورهای عربی وابسته به غرب یک کابوس وحشتناک است - در حال تبدیل شدن به یک واقعیت است. در نظر بگیرید: ایران یک ناوگان از کشتی‌های جنگی به یمن ارسال کرد. دولت اوباما یک گروه ناوهواپیمابر ارسال کرد که ظاهراً هدف آن جلوگیری از نقض آشکار تحریم سازمان ملل برای انتقال سلاح در یمن بود. در عین حال اعلام کرد قصد ندارد در این زمینه اقدامی انجام دهد...»

■ عوامل اقتدار روزافزون

باید توجه داشت زمینه شکل‌گیری و عامل تثبیت و رشد دامنه‌دار قدرت و توان ایران با لشکرکشی و واردات و صادرات سلاح‌های جنگی یا تعدی به تمامیت ارضی سایر کشورها به دست نیامده بلکه با مؤلفه‌ای به نام قدرت نرم یا دیپلماسی عمومی به‌وجود آمده و این در حالی است که کشورهای غربی و همپیمانان آنها در منطقه سالانه میلیاردها دلار جهت تضعیف ایران هزینه می‌کنند. افزون بر آن اقتدار کنونی جمهوری اسلامی ایران مشمول عوامل متفاوتی نظیر «مشروعیت حاکمیت»، «توان و قدرت بی‌بدیل نظامی» و «مشارکت بالای مردم در انتخابات» است، با این حال نباید وجود «دیپلماسی عمومی اثرگذار» را نیز کم‌اثر دانست. دیپلماسی عمومی در طول سه دهه، عمدتاً در خدمت منافع ملی کشور - به‌خصوص در مناطق مسلمان‌نشین - بوده و عمدتاً تلاش شده فهم از کشور را افزایش دهد و حامیان بیشتری را برای دیدگاه‌های کشور فراهم آورد.

مجلس

دیدار هیئت پارلمانی کشورمان با رئیس‌جمهور سوریه

بروجردی: پایداری سوریه موجب شکست امریکا و صهیونیست‌ها شد

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس طی دیدار با رئیس‌جمهور سوریه بر مواجهه ایران و روسیه با دشمنان مشترک در منطقه تأکید کرد.

به گزارش فارس، علاءالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی و هیئت همراه صبح پنج‌شنبه با بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه دیدار و پیرامون موضوعات مختلف گفت‌وگو و تبادل نظر کرد.

بروجردی در ابتدای این دیدار ضمن تبریک پیروزی‌های ارزشمند اخیر ارتش سوریه در جبهه‌های مختلف گفت: سوریه سمبل مقاومت در مقابل دشمنان میان کشورهای منطقه است و به یقین عظمت تحولات اخیر سوریه در آینده بیشتر درک خواهد شد چراکه دولت و ملت سوریه با استقامت و پایداری توانستند اقدامات محور امریکا و رژیم‌صهیونیستی و همپیمانان منطقه‌ای آنها را شکست دهند.

نماینده مردم بروجرد در مجلس شورای اسلامی ایستادگی و مقاومت ملت سوریه را از تحولات تاریخی و ماندگار در تاریخ منطقه و جهان دانست. وی همچنین با اشاره به نامه اخیر بشار اسد به مقام معظم رهبری اظهار داشت: به یقین این نامه نشان‌دهنده عمق پیوندهای میان دو کشور و نقش مثبت جمهوری اسلامی ایران در پیروزی‌های اخیر است. بروجردی در ادامه با تشریح تحولات منطقه افزود: محور مقاومت در منطقه با دشمن مشترک مواجه است و این امر همکاری و هماهنگی مستمر و منظم میان کشورهای عضو محور مقاومت را ضروری ساخته است.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در پایان با اشاره به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های گسترده صنعتی و اقتصادی کشورمان، بر آمادگی ایران برای کمک به بازسازی سوریه تأکید کرد. در ادامه این دیدار بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه ضمن ابراز خرسندی از سفر هیئت پارلمانی ایران به سوریه گفت: سوریه هرگز فداکاری‌ها و حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران در پشتیبانی از دولت و ملت سوریه در دوران سخت و دشوار را فراموش نخواهد کرد. وی افزود: خون‌های ریخته شده شهدای ایران در سوریه، سرمایه گرانقدری برای آینده همکاری‌ها و مناسبات دوستانه و برادرانه دو کشور خواهد بود. رئیس‌جمهور سوریه در بخش دیگری از سخنان خود تحولات اخیر منطقه را به نفع محور مقاومت ارزیابی کرد و گفت: این تحولات بر قدرت و توانایی‌های محور مقاومت افزوده است.

گزارش ۲
کبری آسوپار

خبری که چندان دیده نشد

جاسوسی یک دوتابعیتی جلوی چشم همگان!

طی روزهایی که مردم ایران سرگرم خواندن قصه‌های تخیلی در مورد جاسوسی دختر آیت‌الله آملی لاریجانی بودند، خبرگزاری‌ها از حکم حبس پنج ساله برای یکی از اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران خبر دادند؛ یک دوتابعیتی ایرانی - کانادایی که از مدت‌ها قبل خبر و حرف و حدیث پیرامون اتهام جاسوسی او گاهی پخش می‌شد. او چگونه وارد تیم مذاکره‌کننده ایران شد؟ از چه جایگاهی در این تیم برخوردار بود و... اما مهم‌ترین سؤال این است که چرا یک دوتابعیتی و کسی که گذرنامه کانادایی دارد، در یکی از حساس‌ترین مراکز سیاسی - امنیتی کشور حضور دارد؟ دوتابعیتی‌هایی که وزیر اطلاعات منکر حضور آنان در دولت بود. روزنامه امریکایی «نیویورک تایمز» روز گذشته در این خصوص گزارش کرد، «فیلیپ هانان» سخنگوی وزارت امور خارجه کانادا که مسئولیت نظارت بر موضوعات دیپلماتیک را دارد، در یک واکنش ایمیلی درباره بازداشت و محکومیت پنج ساله این فرد گفت: «وزارت خارجه کانادا در خصوص گزارشات رسانه‌ای مبنی بر محکومیت یک فرد دوتابعیتی در ایران آگاه است اما برای محافظت از حریم خصوصی فرد مذکور، قادر به افشای جزئیات بیشتر در این زمینه نیستیم.»

■ زمزمه‌های بازداشت و تکذیب‌های کذایی

تابستان سال ۹۵ بود که دادستان تهران خبر از بازداشت یک متهم ایرانی دوتابعیتی داد که با سرویس جاسوسی انگلیس در ارتباط بوده و اطلاعاتی که در مورد او منتشر شد، این بود که این فرد در حوزه اقتصادی و مرتبط با ایران فعالیت می‌کرده است. در لابه‌لای همان اخبار اندکی که از بازداشت این متهم منتشر می‌شد، این اطلاعات به‌دست آمد که فرد مورد نظر علاوه بر فعالیت‌های اقتصادی دولتی و خصوصی، مسئول یکی از کمیته‌های مهم هیئت مذاکره‌کننده و در واقع نماینده بانک مرکزی در این تیم بوده، یعنی کسی که قرار بود مشاوره او در مورد مسائل مالی و تحریم‌های اقتصادی - که بخش مهمی از مذاکرات را تشکیل می‌دهد - در تصمیم نهایی تیم مؤثر باشد. با انتشار خبر بازداشت وی، یک سایت مرتبط با اخبار بانک‌ها صوتی منتسب به این فرد را منتشر کرد و تیتر زد که «پایان همه شایعه‌سازی‌ها»، او در این فایل صوتی می‌گفت خبر بازداشت کذب است و من در دفتر کارم مشغول کار هستم. دقایقی بعد این مصاحبه از خروجی سایت حذف شد و همین حذف مصاحبه، باعث شد تردیدها در مورد صحت خبر بازداشت او رنگ یقینی‌تری به خود بگیرد.

وزارت خارجه هم البته خبر بازداشت را تکذیب کرد، اما در عمل دیگر خبری از فرد مورد نظر نبود. او پیش از این نشان درجه ۳ خدمت و ۵۰ سکه بهار آزادی (هدیه نشان درجه ۳ دولتی) از دست رئیس‌جمهور حسن روحانی دریافت کرده بود. وزارت خارجه لابد تصور می‌کرد نباید اعتبار تیم زیر سؤال برود، این البته گزاره درستی است اما در مصداق، پنهان ساختن اخبار از مردم و تکذیب‌های کذایی بیشتر از بازداشت یک جاسوس به اعتبار تیم لطمه می‌زند، خصوصاً که با گذر ایام خبرهای بیشتر در تأیید مورد اتهام قرار گرفتن این فرد منتشر شد. بعدها دولت این بازداشت

را دیگر تکذیب نکرد و به‌جایش گفته شده او فقط مشاوره می‌داده است. در حالی که مشاوره‌های مالی او به تیم هسته‌ای در کنار مشکلات مالی‌ای که در مسیر اجرای برجام وجود دارد، جای چندانی برای خوش‌بینی نمی‌گذارد. گفته می‌شد فرد بازداشت شده، فردی غیربانکی با سابقه حسابداری در نهادهای انگلیسی و کانادایی! و دارای کارشناسی ارشد حسابداری از دانشگاه نفت است. او سابقه عضویت در انجمن حسابداران خبره ایران، عضویت پیوسته در انجمن حسابداران خبره انگلستان و ولز (ICAEW) و عضویت در انجمن حسابداران خبره اُنتاریو در کانادا (CICA) را در رزومه دارد و مدتی هم عضو هیئت مدیره یکی از بانک‌های خصوصی ایران بود. او گذرنامه کانادایی دارد و البته مدیر یک شرکت دارویی در تورنتو است. وی در مصاحبه‌ای مدعی می‌شود دوبار به دعوت محمد نهاوندیان (مشاور ارشد رئیس‌جمهور) و ولی‌الله سیف (رئیس بانک مرکزی) به کمیته‌ای که در نهاد ریاست‌جمهوری تشکیل شد و هدف آن انتقال تجارب متخصصان مختلف و مشورت به دولت در خصوص پرونده هسته‌ای بود، پیوسته است. اسم او هیچ گاه توسط دستگاه قضایی رسماً اعلام نشد. گرچه حمید رسایی از نمایندگان سابق مجلس و منتقد سرسخت برجام و نیز جواد کریمی‌قدوسی منتقد دیگر برجام، نام و هویت او را افشا کردند.

■ یک نفر با گذرنامه کانادایی در تیم مذاکره‌کننده ایران!

بحث دوتابعیتی‌ها با فرار محمودرضا خاوری از ایران به کانادا به شکلی جدی در اذهان عمومی مطرح شد. اولین سؤال در مورد فرار خاوری این بود که چگونه فردی با تابعیت کانادایی به سمت مهم مدیرعاملی بانک ملی ایران رسیده و در رده مقامات ارشد اقتصادی کشور است. شاید آن زمان بسیاری تصور می‌کردند مورد خاوری صرفاً یک اتفاق بوده و البته اشتباه همه جا روی می‌دهد! اما گذر زمان نشان داد در بسیاری موارد وجود دوتابعیتی‌ها جدی گرفته نمی‌شود. چند ماه پس از خبر بازداشت یک عضو تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای کشورمان، محمود علوی وزیر اطلاعات همچنان وجود دوتابعیتی‌ها را قبول نداشت! او در مصاحبه با خبرگزاری ایرنا گفت: «دادستان محترم کل کشور تصریح نموده بودند که برخی از این مسئولان دوتابعیتی که در رأس امور هستند با دشمن همکاری می‌کنند. استدعای اینجانب به عنوان برادر کوچک ایشان این است که چند نفر از این «برخی دوتابعیتی‌ها» را به وزارت اطلاعات معرفی نمایند تا به جرم همکاری با دشمن، با آنها برخورد نماییم.» همین عبارت وزیر محترم اطلاعات یک نقض قوانین است، چه آنکه شناسایی و معرفی مسئولان دوتابعیتی وظیفه نهاد اطلاعاتی است و نه دستگاه قضایی و برخورد با متهم احتمالی هم وظیفه دستگاه قضایی است، نه اینکه دستگاه قضایی معرفی و وزارت اطلاعات برخورد کند!

بعدها دادستان کل کشور، حجت‌الاسلام منتظری از ارسال لیست دوتابعیتی‌ها به وزارت اطلاعات خبر داد. او در گفت‌وگوی ویژه خبری گفت: «برخی از این افراد دوتابعیتی‌اند، برخی اقامت دارند و برخی دیگر دارای گرین کارت هستند. کسانی که دوتابعیتی هستند، معمولاً وجود تابعیت دوم را مخفی می‌کنند و این وظیفه وزارت اطلاعات است که با بررسی‌های فنی این مسئله را کشف کند. وظیفه دادستان کل کشور در موضوع دوتابعیتی‌ها قضایی است و اطلاعاتی - امنیتی نیست.» او در مورد ارسال اسامی به وزارت گفت: «پیش‌تر فهرستی ۱۶ نفره از این افراد را به وزارت اطلاعات ارسال کردیم که وزارت پس از بررسی، وضعیت هیچ کدامشان را منتفی اعلام نکرد. در آن فهرست مشخص شد برخی از مسئولان گرین کارت امریکا داشته‌اند، سه نفر از آنان در خارج از کشور اقامت داشتند و دو نفرشان به مسئولان کشور خصوصاً آنان که در قضیه برجام فعال بودند، مشاوره می‌دانند. سؤال اینجاست که چرا باید به کسی که اقامت کانادا را دارد، مسئولیت دولتی داده شود؟! برخی دوتابعیتی‌ها مشاور مقامات عالی در مراکز مهم کشوری بوده‌اند. وزیر اطلاعات می‌گوید مشاوره گرفتن اشکالی ندارد اما حرف ما این است که مرکز مهمی که بسیاری از اسناد محرمانه و طبقه‌بندی شده کشور در آن نگهداری می‌شود چرا فردی دوتابعیتی باید مشاور رئیس آن شود. دوتابعیتی‌ها می‌توانند افراد خطرناکی باشند و ما به دولت در این باره هشدار دادیم که مراقب این افراد باشند. به موجب قانون به کارگیری افراد دوتابعیتی در پست‌ها و مسئولیت‌های دولتی ممنوع است.»

وزارت اطلاعات حتی روی اعضای تیم هسته‌ای یا به قول خودشان مشاوران آنها هم در موضوع دوتابعیتی‌ها رصد موفقی نداشته و در نهایت منجر به محکومیت کسی شده که از دست رئیس‌جمهور نشان خدمت دولتی هم به دلیل حضور در تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای دریافت کرده است. آیا همچنان دستگاه اطلاعاتی کشور منتظر است تا سایر نهادها لیست مقامات دوتابعیتی را به آن اعلام کنند؟

گزیده خبر

سرلشکر باقری: شهادت شهید همدانی‌ها منجر به رویش شهید حججی‌ها شده است

رئیس ستادکل نیروهای مسلح گفت: شهادت شهید همدانی‌ها منجر به رویش شهید حججی‌ها، شهدای هسته‌ای و دیگر شهدا شده است.

به گزارش تسنیم سرلشکر محمد باقری در مراسم دومین سالگرد شهادت سردار همدانی ضمن تشکر از برگزارکنندگان این مراسم گفت: شهید همدانی از سابقون رزمندگان انقلاب و دفاع مقدس هستند. در قرآن از سابقون نام می‌برند و آنها از مقربین درگاه الهی هستند و شهید همدانی هم از این دسته محسوب می‌شود چراکه از دوران نوجوانی تا آخرین لحظات عمرش در راه دفاع از اسلام بوده است. این شهید از ابتدای نوجوانی در راه اسلام و انقلاب حرکت کرده و هیچ‌گاه لحظه‌ای به فکر آرامش نبوده و در نهایت پاداش این تلاش را در دفاع از حرم اهل بیت(ع) دریافت کرد. وی گفت: خیلی عجیب است فاصله بین نوشتن وصیتنامه این شهید با زمان شهادتش که کمتر از دو هفته است. خواندن وصیتنامه شهدا برای ما همیشه ضروری است اما وصیتنامه این شهید را باید خواند و از معارف آن آموخت.

وی تصریح کرد: شهید همدانی این مسئله را درک می‌کرد که اگر سوریه، عراق یا دیگر مناطق شکست بخورند نوبت به ام‌القرای اسلام می‌رسد، بنابراین با درک این شرایط در آن سن و سال به سوریه رفت. اصل جبهه ما آنجاست. اگر رهبری می‌فرمایند که ۲۵ سال بیشتر از عمر رژیم صهیونیستی نمانده به اینجاها نگاه می‌کنند، رژیم صهیونیستی از اساس سست و بی‌پایه است اما خود را آهنین جلوه می‌دهد.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح گفت: شهید همدانی در سال ۹۰ که شرایط خاصی در سوریه بود به آنجا رفت؛ یک ارتش خسته که باید در دهها جبهه مقابل نیروهای تازه‌نفس و با انگیزه تروریستی که از همه طرف تجهیز می‌شد، بایستد. در چنین شرایطی که بسیار سخت بود و از طرف دیگر در عراق هم صحنه دیگری باز شد، شهید همدانی به آنجا رفت و با الگوبرداری از بسیج نیروهای مردمی وارد این مسئله شد تا مردم شیعه، سنی، مسلمان و غیرمسلمان را آموزش دهد. سرلشکر باقری خاطرنشان کرد: اگر چنین توانی و نیروهای مردمی ایجاد نشده بود، حتماً به لحاظ مادی سوریه سقوط کرده بود.

سردار سلیمانی و شهید همدانی و دیگر فرماندهان مستشار ما با سازماندهی نیروهای انقلاب اسلامی از کشورهای مختلف کاری کردند که ورق برگشت و مناطق اشغال شده آرام آرام باز پس گرفته شد. وی افزود: نفوذ کلام شهید همدانی در میان مردم سوریه کار را خیلی راحت‌تر کرد چراکه نگاه سوری‌ها به فرماندهان ایرانی نگاه به چشم یک خارجی نیست بلکه به عنوان فرشته و یک موجود مقدس است که هر چه می‌گویند مقدس است و باید به آن عمل کرد زیرا فرماندهان ایرانی بدون چشمداشت آنجا هستند.

سرلشکر باقری اظهار داشت: مسئله شمال عراق، مسئله‌ای نیست که در این برهه مطرح شود و دشمنان بیایند طراحی و مسئله همه‌پرسی کردستان را علم و احساسات آنها را تحریک کنند. مردم کردستان با استقلال می‌خواهند به چه چیزی برسند که الان ندارند؟ انتخاباتی که در این منطقه برگزار شد نه ناظر و نه بازرسی داشت و هر آماری که خواستند بیان کردند، این اتفاق می‌تواند منطقه را برای ۱۰ سال یا بیشتر به آشوب بکشد.

رئیس ستادکل نیروهای مسلح گفت: همه دلسوزان اسلام و نظام باید به هوش باشند، خوابیدن ما به منزله خواب بودن دشمن نیست، این خواسته فرمانده و رهبر ماست. اینها درسی است که شهید همدانی به ما داده است، این مسئله سن و سال و مقام و جایگاه نمی‌شناسد. همه باید این افتخار را داشته باشیم که نعمت رزمنده بودن را داریم و آن را حفظ کنیم. نکته دیگر اینکه شهادت شهید همدانی‌ها منجر به رویش شهید حججی‌ها، شهدای هسته‌ای و دیگر شهدا شده است. وی عنوان کرد: این شهید افتخار سپاه تهران بزرگ است، از زمانی که این سپاه شکل گرفته ۱۰ فرمانده به خودش دیده و هفت فرمانده آن شهید شده‌اند و هیچ تیپ و لشکر دیگری اینطور نیستند و این افتخار شما محسوب می‌شود.

توسط رئیس سازمان اطلاعات سپاه مطرح شد

هجمه عناصر وابسته به خاطر برخوردهای مؤثر قوه قضائیه با مفسدان و عوامل نفوذی دشمن است

رئیس سازمان اطلاعات سپاه با تشریح ابعاد ضدامنیتی اقدامات سرویس‌های جاسوسی بیگانه علیه نظام از پروژه‌های جدید رسانه‌ای دشمن پرده برداشت.

به گزارش فارس، حجت‌الاسلام حسین طائب رئیس سازمان اطلاعات سپاه گفت: اشراف اطلاعاتی ما بر تحرکات سرویس‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی و انگلیس حاکی از آن است که پس از شکست تلاش‌های آنان برای به محاق بردن پروژه نفوذ و ایجاد ناامنی در کشور، این سرویس‌ها با طرح کیس‌های بی‌اساس و نشر اکاذیب در پی مشغول‌سازی افکار عمومی و ایجاد حس بی‌اعتمادی نسبت به مسئولان خدوم نظام هستند.

وی ضمن کذب محض خواندن اتهام مطرح شده در خصوص یکی از اعضای خانواده محترم رئیس قوه قضائیه گفت: با توجه به برخوردهای قانونی مؤثر قوه قضائیه در برخورد با مفسدان و عوامل نفوذی دشمن در سال‌های اخیر بالاخص دستگیری و اعلام محکومیت جواسیس دوتابعیتی وابسته به امریکا و انگلیس و برخی سرویس‌های منطقه‌ای همکاری آنان، این‌گونه هجمه‌ها و دروغ‌پردازی‌های عناصر وابسته به دشمن دور از انتظار نیست. حجت‌الاسلام حسین طائب افزود: حسب اطلاعات ما طی ماه‌های آتی این روند اتهام‌زنی‌ها و پرونده‌سازی‌های دروغین در خصوص موضوعات و شخصیت‌های دیگر نیز ادامه دارد. وی در پایان افزود: در صورت نیاز و در زمان مقتضی جزئیات بیشتری از اهداف این فضاسازی رسانه‌ای ضدانقلاب، گردانندگان و عوامل همکار داخلی و شبکه تأمین مالی آنان منتشر خواهیم کرد.

سراج: مافیای قدرت و ثروت می‌خواهند آیت‌الله لاریجانی را منفعل کنند

یک کارشناس مسائل استراتژیک با بیان اینکه جریان نفوذ داخل ایران با اقدامات قوه قضائیه دچار احساس ناامنی شده است، گفت: پروژه دشمن برای تغییر مختل شده و سرویس‌های اطلاعاتی غرب و رسانه آنها کینه آیت‌الله لاریجانی را به دل گرفته‌اند.

رضا سراج کارشناس مسائل استراتژیک در گفت‌وگو با فارس، با اشاره به هجمه‌ها و تخریب‌های ضدانقلاب علیه رئیس دستگاه قضایی اظهار داشت: اعتبارزدایی از حاکمیت از طریق هجمه به قوه قضائیه به نوعی فرستادن سینگال‌های امنیت‌زدایی از محیط داخلی ایران است که باید در برابر آن هوشیار باشیم. سراج با بیان اینکه درباره این تخریب‌ها می‌توان به سه نکته اشاره کرد، گفت: تا قبل از آمدن ترامپ، هدف امریکا نرمالیزاسیون انقلاب ایران بود که در این شرایط باید جریان نفوذ شرایط تغییر را با کمک شبکه همکار داخلی غرب در ایران فراهم می‌کرد و باید شرایط داخلی تغییرات جدی را متحمل می‌شد. این کارشناس مسائل استراتژیک در همین زمینه تصریح کرد: در این شرایط بصیرت بالای آیت‌الله آملی و فهم استراتژیک او از دشمن و شبکه نفوذ برای پروژه تغییر باعث شد، جریان نفوذ احساس ناامنی کند. وی گفت: ما دیدیم نیروهای امنیتی با کمک قوه قضائیه، عناصری از سرویس‌های اطلاعاتی انگلیس، اسرائیل و امریکا و دیگر سرویس‌های اطلاعاتی را شناسایی و دستگیر کردند، بنابراین پروژه دشمن برای تغییر مختل شده و این عاملی است تا سرویس‌های اطلاعاتی غربی و رسانه‌ای وابسته به آنها کینه آیت‌الله لاریجانی را به دل بگیرند.

سراج برخورد قاطع قوه قضائیه با مافیای ثروت و قدرت را یکی دیگر از عوامل هجمه که آیت‌الله لاریجانی برشمرد و افزود: در کارنامه آیت‌الله لاریجانی ما شاهد برخورد با مافیا هستیم و بعد از برخورد با بابک زنجانی، مقابله با سایر مافیای قدرت و ثروت آغاز شد و این اژدهای هفت‌سر حیات خود را در معرض خطر دید. این کارشناس مسائل استراتژیک با بیان اینکه مافیای قدرت و ثروت علاوه بر حوزه اقتصادی در حوزه سیاسی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد، یادآور شد: این جریان برای ادامه حیات خود باید آیت‌الله آملی لاریجانی را منفعل می‌کرد تا مافیا از حاشیه امنی برخوردار شود.